



چه خبر؟

نقد قند پهلوی!

دلیوشته‌ای به امام زمانم

مسئولین پاسخ می‌دهند...

گفت‌وگو با دکتر صدر ، سرپرست پردیس



منبع: راسخون

۱۳۹۷



سال



گاهنامه فرهنگی - اجتماعی «صحیفه صادق»

سال سوم | شماره هفتم | بهار ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: دانشگاه فرهنگیان ، پردیس امام جعفر صادق (ع) ایلام

شماره مجوز نشریه: ۵۰۶۰۰/۲۴۳/۴۶۰/د

مدیر مسئول: سمانه صفایی پور سردبیر: نگین علی بیگی
نگار عسگری ، کوثر حنیف ویراستار: سرکارخانم رشنودی
تحریریه: مهتاب برخوردار ، زهرا خاکی ، الهه محمدی والا ، نگار علی بیگی ،
ناظر نشریات : سرکارخانم پروانه صفحه آرا: سمانه صفایی پور تصویرگر:
باتشکر ویژه از: سرکارخانم فتاحی مریم قاسمی

فهرست مطالب :

- ۲ الگوسازی و الگوشناسی در آموزش و پرورش
- ۳ دلنوشته‌ای به امام زمانم
- ۴ معلم علم و ایمان
- ۴ تکریم شاگردها فراموش نشود!
- ۵ گفت‌وگو با سرپرست پردیس
- ۶ مسئولین پاسخ می‌دهند
- ۷ لحظات خاطره انگیز
- ۸ جوانی و انتظار
- ۹ مہیای نبرد نهایی
- ۱۰ چه خبر؟
- ۱۱ نقد قند پهلوی
- ۱۲ جدول معلم
- ۱۳ ای کاش
- ۱۳ برگزیدگان مسابقه عکاسی طبیعت

«نخن سرور»

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»

خدای را شاکریم که این بار نیز با لطف بی‌حدش و با استعانت از مهر و محبتش در قالب پنجمین شماره از گاهنامه‌ی دانشجویی صحیفه صادق میهمان لحظه‌هایتان هستیم. فرارسیدن ۱۲ اردیبهشت، سالروز گرامی‌داشت مقام معلم را به شما همکاران محترم تبریک عرض نموده و امیدوارم بنده و همکارانم در هیئت تحریر توانسته باشیم رسالت خود را به عنوان یک رسانه‌ی دانشجویی در طی سال تحصیلی ۹۶-۹۷ به خوبی به انجام رسانده باشیم. ما را از نظرات گهربارتان محروم نکنید، گوش ما به کلام شماست.

از اینکه با نگاه پرمهرتان به ما دلگرمی می‌دهید صمیمانه سپاس گزاریم و قدردان لطف شما همراهان عزیز هستیم.

نگین علی بیگی

«با ما همراه باشید»

sahifehsadegh@chmail.com

رایانامه:

<http://pand.snn.ir/sahifehsadegh/>

«صحیفه صادق» در پاتوق نشریات دانشجویی:

<http://sapp.ir/sahifehsadegh/>

«صحیفه صادق» در شبکه‌های اجتماعی:



الگوسازی و الگوشناسی در آموزش و پرورش

اگرآورنده: نگار علی بیگی

کارهای زیادی داریم. در آموزش و پرورش، در دستگاه‌های تبلیغاتی، در صدا و سیما، در دستگاه‌های دولتی و... خیلی کار داریم ما مسئولیم. شانه‌مان زیر سنگینی بار مسئولیت باید خم شود. مسئولیت را بپذیریم. باید کار کرد. همه باید کار کنند.

بیانات آیت الله خامنه‌ای در دیدار
جمعی از معلمان سراسر کشور به
مناسبت هفته معلم ۹۱/۲/۱۳

که باید در زمینه‌ی اخلاقی جلوتر رفت؛ منتها یکی از شرایطش این است که ما برای جوان‌هایمان الگو داشته باشیم. بعضی‌ها با رفتارهای خود، با عملکرد خود، با اظهارات خود، الگوهای بدی برای جوان‌های ما می‌شوند. الگوسازی یکی از اساسی‌ترین کارهاست. ما الگوهای خیلی خوب داریم. این قدر جوان‌های خوب، این قدر چهره‌های نورانی که در تاریخ بماند؛ در زمان خودمان داریم همین قدر کافی است با تعریف هر کدام از این‌ها یک چهره‌ی برجسته و یک الگو جلوی جوانانمان بگذاریم. به هر حال

از همه این مطالب، من می‌خواهم اهمیت آموزش و پرورش را نتیجه بگیرم واقعا اگر انسان بخواهد کارهای کشور را، این بخش‌ها و قسمت‌های گوناگون کشور را تقسیم بندی کند و به حسب اهمیت، موقع این‌ها را مشخص کند، آن بالا بالاها آموزش و پرورش قرار می‌گیرد. جوان ما به آموزش و پرورش بستگی دارد، اخلاق ما به آموزش و پرورش بستگی دارد. یک عده‌ای می‌نالند از این که چرا ما از لحاظ اخلاقی جلو نمی‌رویم. البته این درست است، ما هم قبول داریم

دعای گوید که بایک گل نمی آید بهار
من گلی دارم که دنیا را گلستان می کند

یا ایها محمد



دلنوشته‌ای به امام زمانم...

[گردآورنده: نگار عسگری]

تو می‌آیی! این را نسیم ، سر
گلدسته‌ی سرو فریاد زده است و
شکوفه‌ها باور کرده‌اند.

هر صبح قناری دلتنگی‌ام ، بر شاخه‌ی
نیاز می‌نشیند و برای استقبال از تو،
سرود آماده می‌کند.

هر غروب گل های نرگس بر
رشته‌های چادر مادرت بوسه می‌زنند
تا فرزندش زودتر باز آید.

باور کن تمام باغ تو را می‌خواهد ؛
دیگر بی تو ، عطر سیب هم چنگی به
دل نمی‌زند.

تو می‌آیی! از پشت زمان‌ها، از لابه‌لای
قرون، از سابقه‌ی تاریخ، از کنار
برکه‌ی آرزوها، تنهای تنها و سوار بر

اسبی به رنگ شکوفه‌ها. وقتی بیایی،
بهار به شوق می‌ایستد و نوبتش را به
فصل دیگر نمی‌دهد. خورشید از
آسمان پایین می‌آید و گل میخ
آستانه‌ی خانه‌ات می‌شود.

تو می‌آیی! و به همراهت سبزینه‌ی
ایمان می‌آوری. بر منبر گل‌های امید
می‌ایستی و خطبه‌ی طراوت
می‌خوانی. آن روز، متن سخنان تو را
بر برگ‌های گل آفتاب گردان
می‌نویسند و چلچله‌ها ، با الهام از آن
نغمه خوانی می‌کنند.

آن طرف تر، خارهای ستم، از رعد
فریادت آتش می‌گیرند.

تو می‌آیی! آخر تو از نسل آمدنی، از

نسل بشارت، از نسل «جاء الحق و
زهق الباطل» هم زمان با آمدنت،
هزاران پرده از قفس می‌پرند و
آسمان در بی شماری پروازها، سبک
می‌شود. چشم‌ها خیره‌ی بوسه‌های
نسیم بر تحت الحَنَک تو خواهد ماند
و گوش‌ها، جرعه جرعه، از اذان
خواهند نوشید.

آن روز، لشکر لشکر گل، دعای باغبان
خود را آمین خواهند گفت!

و اکنون در جشن میلادت، آن روز را
به انتظار می‌نشینیم.

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش
زده‌ام فالی و فریادرسی می‌آید

تکریم شاگردها فراموش نشود!

از نظر اسلام همانطور که معلم احترام دارد و باید تکریم شود، متعلم هم باید تکریم شود؛ شاگرد را هم باید تکریم کرد. به شاگرد اهانت نباید کرد. این یک جنبه‌ی پرورشی بسیار عمیقی دارد.

اینجا هم یک روایتی است که اینطور نقل شده: «تواضعوا لمن تعلّمون منه و تواضعوا لمن تعلّمونه»؛ از کسی که فرا می‌گیرد، تواضع کنید. «و لا تكونوا جباره العلماء». جبار علمی نباشید؛ جباران عالم نباشید؛ مثل فرعون.

بنده اینجور استادی را در یکی از دانشگاه‌های کشور، سالها پیش، شاید چهل سال، چهل و پنج سال قبل دیده بودم که جوری با شاگردهایش حرف می‌زد و تعلیم می‌داد و برخورد می‌کرد، که برخوردش فرعونی بود، نه برخورد پدر با فرزند.

معلم ممکن است درشتی هم بکند، اما درشتی غیر از تحقیر است؛ غیر از اهانت است. شاگرد را باید تکریم کرد. شما هر کدام یقیناً تجربه‌های زیادی دارید از شاگردانی که شما تکریمشان کرده‌اید و این کار جواب داده است؛ تربیت او را آسانتر کرده است. دشنام دادن، تحقیر کردن، حتی زدن، خوب نیست - که حالا «الضرب لتأديب» جزو حرف‌هایی است که از قدیم معروف و معمول هم بوده، بعدها نشان دادند که نه، ضرب خوب نیست - بنده هم عقیده‌ام همین است. باید شاگرد را مثل مومی در دست چرخاند و شکل داد؛ منتها با ملایمت. هنر معلمی این است.



«معلم علم و ایمان»

مروری بر زندگینامه شهید مرتضی مطهری در آستانه روز معلم

اگرآورنده: زهرا خاکی

در هفته معلم و در آستانه‌ی روز معلم و شهادت عالم عالی‌قدر شهید مرتضی مطهری بار دیگر زندگینامه‌ی ایشان را با هم مرور خواهیم کرد. باشد که ما معلمان آینده‌ی این مرز و بوم، در تعلیم و تربیت فرزندان کشورمان، ایشان را سرلوحه کار خود قرار داده و ادامه دهنده راه این شهید و نیز تمام شهیدان گرانقدر اسلام باشیم.

شهید مرتضی مطهری که مغز متفکر و یکی از معماران نظام جمهوری اسلامی ایران بود در ۱۳ بهمن ۱۲۹۸ هجری شمسی در فریمان خراسان رضوی و در یک خانواده اصیل روحانی دیده به جهان گشود. مرتضی مطهری پس از تحصیل مقدمات، راهی حوزه علمیه قم شد و از محضر بزرگانی چون آیت الله بروجردی، علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی (ره) بهره برد. شهید مطهری در همه‌ی این سال‌ها ضمن تحصیل علوم مختلف به تزکیه و تهذیب نفس پرداخت چنانکه به روشن‌بینی و هوش و ذکاوت و دقت علمی کم‌نظیری دست یافت. با شروع

نهضت اسلامی ایران از سال‌های ۴۱ و ۴۲ ایشان نیز فعالانه وارد صفوف نهضت شد و اوج فعالیت‌هایش در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بود که توسط ساواک دستگیر و زندانی شد و پس از آزادی نیز تمام هم و غم خود را مصروف تشکیل نیروهای مبارز و معلمان و حفظ نهضت از آسیب‌ها و انحرافات کرد. در این سال‌ها استاد مطهری به تبیین فرهنگ اسلامی در جامعه و آگاهی‌بخشیدن به نسل جوان و دیگر اقشار جامعه ایران پرداخت. ایشان در سال ۱۳۵۱ توسط ساواک دستگیر و ممنوع المنبر شدند. با این همه، استاد مطهری فعالیت‌های خود را ادامه داد و روابط اصلی امام (ره) در کشور با مردم و گروه‌های مختلف و هدایت‌کننده خط فکری نهضت به شمار می‌رفتند و نقش بسیار مهمی را در شورای انقلاب و... در پیروزی انقلاب ایفا نمودند. تا اینکه سرانجام این مبارز خستگی‌ناپذیر و دانشمند و فقید عالی مقام، مرتضی مطهری، بعدازظهر ۱۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ پس از خروج از خانه دکتر سحابی در خیابان فخر آباد تهران از فاصله نزدیک از پشت سر هدف گلوله قرار گرفتند و به شهادت رسید.



گفت‌وگویی صمیمی با سرپرست پردیس امام جعفر صادق (ع) ایلام در آستانه روز معلم

| نگین علی بیگی، سمانه صفایی پور |

بر آن شدیم تا در آستانه‌ی روز معلم گفت و گویی صمیمانه با سرکار خانم دکتر صدر، سرپرست محترم پردیس امام جعفر صادق (ع) ایلام، داشته باشیم و از ایشان بخواهیم تجربیات گرانبهایشان را در اختیار ما گذاشته و نیز ما را در جریان دغدغه‌هایشان نسبت به پردیس و دانشجومعلم‌ان قرار دهند. در ادامه شما را دعوت می‌کنیم پای گفت و گویمان بنشینید:

۱. خانم دکتر، از رشته‌ی تحصیلی خود برای ما بگویید و اینکه دیدگاهتان نسبت به رشته‌ی علوم تربیتی چیست؟

از دید من علوم تربیتی با ساختن سر و کار دارد، و چون نظام تعلیم و تربیت را از وجوه مختلف به سان پزشکی که بیمارارش را از جنبه‌های مختلف بررسی می‌کند، واکاوی

و برای مشکلاتش چاره‌اندیشی می‌کند، می‌تواند رشته‌ای بسیار جذاب و در عین حال نیازمند مطالعه و تحقیق و پژوهش باشند.

۲. آیا تا به حال در کار خود احساس خستگی کرده‌اید؟

در هر کاری عشق لازمه‌ی پیشبرد امورات و اهداف است، و معلمی در این بین نیازمند عشقی وافر است، عشق به شکوفایی، عشق به فرزندان این آب و خاک و عشق به بارور نمودن به معلم‌ان انرژی مضاعفی خواهد داد که با تمام وجود همت بگمارند و خستگی به خود راه ندهند.

۳. چه عاملی باعث می‌شود که با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات شغل معلمی، باز هم معلم‌ان با علاقه به کار خود ادامه دهند؟

به نظر می‌رسد به معلمی باید فراتر از دیدگاه مادی نگریست، معلم باید خود را در برابر چشمان پرسشگر دانش‌آموزان مسئول

بداند و با وجدانی بیدار درصدد بارور نمودن درختان خشک و گیاهان پژمرده برآید، و اگر معلم خود را به مانند منبعی از تغذیه بداند، لازم است هرروز، کوله بارش را پر از مواد مغذی کند تا ذهن گرسنه دانش‌آموزان را سیر کند و این را لذت بخش بداند، پس هیچگاه احساس خستگی در وجود او رخنه نمی‌کند.

صحبتی با دانشجومعلم‌ان

به نظر می‌رسد یک دانشجومعلم باید قدردان موقعیت خود باشد و بداند قدم در مسیری گذاشته که می‌تواند بارقه‌های نور و رحمت الهی را در لحظه لحظه‌های زندگیش ببیند و همین هم انتظار ما را از این دانشجومعلم‌ان عزیز بیشتر می‌کند که قدم را محکم‌تر بردارند و با خدای خود برای ساختن ایرانی آباد عهدی جاودانه ببندند.

لحظه‌های خاطره‌انگیز

پای صحبت سارا رستمی نومعلم و آموزگار پایه اول دبستان عصمت سرابله

| مصاحبه‌گر: سمانه صفایی پور |

خانواده‌اش خیلی صحبت کردم اما فایده ای نداشت. تا اینکه یکروز آمد و بغلم کرد و گفت خانم من درباره شما اشتباه فکر می‌کردم شما واقعا مهربان هستید. این رو وقتی فهمیدم که به یکی از بچه‌ها که پول نداشت و گرسنه بود پول دادید تا تغذیه بخوره، و بعدش هم به روی خودتون نیاوردید که آبروش نره!

ساراجان از تو ممنونم که وقتت رو در اختیار ما قرار دادی، آرزوی موفقیت روز افزون برای شما داریم.

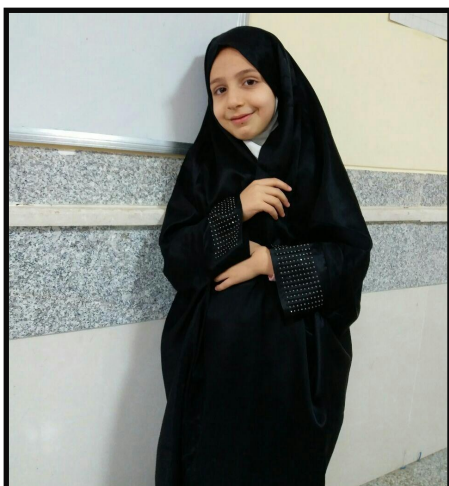


مادربزرگم فوت شده بود. هفته بعدش مدرسه مسابقات المپیاد ورزشی داشتند. بچه‌های کلاس من خیلی پرنرژژی و شیطون هستن اما اون روز اصلا دست نزدند. بعد که مسابقه تمام شدم به بچه‌ها گفتم چرا امروز اینقدر بی حال بودید و اصلا دست نزدید؟ گفتن چون مادربزرگ شما مرده ما دست نزدیم...

یکروز معلمی دیگه‌ای خواست جایگزین من بشه، بچه‌ها رفته بودن دفتر و گفته بودن این معلم جدید خطمونو خراب میکنه!

یه شاگرد داشتم که به‌خاطر من چادری شد! مادرش هم چادری شد! می‌گفت دوست دارم شبیه شما با حجاب باشم!

یکی از شاگردام از اول سال منو دوست نداشت! کلا از معلم‌ها خوشش نمی‌آمد... با



ساراجان در این یک سال تحصیلی که آموزگار کلاس اولی‌ها بودی، قطعاً تجربیات بسیار زیادی به دست آورده‌ای و خاطرات قشنگی با آن‌ها داشته‌ای، از تو می‌خواهم تعدادی از این خاطرات شیرین را در اختیار ما و خوانندگان نشریه قرار بدهی.

سارا: راستش هر روزش برام خاطره است! مثلاً؛

اون شبی که زلزله اومد، یکی از بچه‌ها باهام تماس گرفت، همونطور که داشت گریه می‌کرد گفت: خانم خوبی؟ قطار شهرک الفبامون خوبه؟ منم زدم زیر خنده!

روز بعد از زلزله، میز و صندلی بچه‌ها رو جابه‌جا کردم تا کنار پنجره نباشند و میز خودم رو کنار پنجره گذاشتم. بچه‌ها پرسیدند خانم چرا اینکارو کردی؟ منم بهشون گفتم تا اگر زلزله اومد شما آسیبی نبینید. گفتن خانم اینجوری که شما آسیب می‌بینید، شما نباشی ما با سواد نمی‌شیم!... اومدن میز رو جابه‌جا کردن!

یکروز یکی از بچه‌ها با پول توجیبیش برام مازیک خرید تا درس بدم!



باشند، که لازم است دانشجویان بدون واژه و ترس و با ارائه مستندات به مسئولان گزارش دهند تا این ضعف برطرف شود.

۲. چرا دانشگاه فرهنگیان به جای رئیس، سرپرست دارد و کی این تغییر صورت می‌گیرد؟

اندکی صبر، سحر نزدیک است...

۳. در دانشگاه فرهنگیان کاستی‌های فراوانی در محیط دانشگاه از لحاظ امکانات وجود دارد که باعث کمبود انگیزه در دانشجویان می‌شود و در واقع محیط دانشگاه‌های فرهنگیان فرق چندانی با محیط مدرسه‌ای ندارد و مشکل دیگر هم برای ورودی‌های ۹۳، مشکل عدم پرداخت معوقات آنان است.

دانشگاه فرهنگیان تازه بنیان است و قطعاً کمبودهایی دارد. ما هم معتقدیم که دانشجویان باید در بهترین امکانات تحصیل کنند، معتقدیم که خوابگاه‌های آن‌ها باید مجهز شود و... نگاه مسئولان به دانشگاه فرهنگیان باید نگاهی کمک کننده باشد و همه‌ی دستگاه‌ها به گفته‌ی مقام معظم رهبری باید نقش کمک کننده برای این دانشگاه داشته باشند.

و همین‌طور در خصوص معوقات ورودی‌های ۹۳ باید بگوییم که معوقات ۱۶ استان پرداخت شده است و مابقی استان‌ها هم در حال تلاش هستیم تا هرچه زودتر معوقاتشان را پرداخت کنیم.

| نگین علی بیگی |



مسئولین پاسخ می‌دهند...

جلسه پرسش و پاسخ نشست سراسری دانشجومعلم‌ان نخبه کشوری - فروردین ۹۷

در ۲۹ فروردین ماه ۹۷ نشستی با حضور دانشجومعلم‌ان نخبه کشوری به میزبانی دکتر خنیفر، سرپرست دانشگاه فرهنگیان، در هتل فرهنگیان تهران برگزار گردید. بخشی از این نشست، به جلسه پرسش و پاسخی با حضور مسئولین دانشگاه فرهنگیان اختصاص داده شده بود که در آن جلسه دانشجومعلم‌ان به بیان پرسش‌ها و دغدغه‌های خود پرداختند.

در ادامه شما را به خواندن بخشی از مهمترین پرسش‌های مطرح شده در جلسه و پاسخ‌های مسئولین دعوت می‌کنم:

۱. چرا در برخی از پردیس‌ها، اساتیدی که برای تدریس دروس در نظر گرفته می‌شوند، غیر مرتبط با دروس هستند و وقتی علت این امر را جویا می‌شویم، به موظفی بودن این اساتید و مجبور بودن به پر کردن ساعات درسی آنها اشاره می‌کنند؟

دانشگاه فرهنگیان دانشگاهی تازه تاسیس است و در ابتدا هم ساختار دانشگاه نداشته است و حدود ۶ سال است که به صورت ساختار دانشگاهی

شده است. پس مثلاً در مقایسه با دانشگاه تهران که حدود ۸۵ سال است که افتتاح شده، قطعاً در سطوح پایین تری قرار دارد و کم کم هم سطح این دانشگاه بالاتر خواهد رفت. ضمن اینکه در حال تلاش هستیم که سطح دانشگاه را از تمامی لحاظ بالاتر ببریم و در تلاش هستیم که از طریق وزارت علوم اساتیدی مجرب و مرتبط با سرفصل‌های دانشگاه فرهنگیان جذب کنیم و منکر این نیستیم که ممکن است در طی این سال‌ها اساتیدی که به نوعی با دروس ارائه شده مرتبط نبوده‌اند نیز جذب شده



زمانم چیست؟ آیا خودسازی فردی و دانش افزایی صرف راه گشاست؟ تکلیف چیست...؟

به قول حاج اسماعیل دولابی ، رحمه الله علیه ، امام زمان ما آمدنی نیست... آوردنیه!

بنشینیم پای درس و صحبت استاد پناهیان. استاد پناهیان برای شخص منتظر پنج عنصر برشمرده است:

۱. اعتراض به وضع موجود ۲. تصور وضع مطلوب ۳. تصدیق وضع مطلوب ۴. تمنای وضع مطلوب ۵. عمل برای تحقق وضع مطلوب.

سپس تناسب این پنج عنصر را با جوان بیان کردند:

۱. جوان سنت گریز است و این خصلت را خداوند در وجود جوان گذاشته است تا بتواند از گذشته فاصله بگیرد و فرصت انتخاب پیدا کند. البته این سنت گریزی مانند هر خصلت طبیعی دیگری باید جهت پیدا کرده و از فریب و پاسخ نابجا مصون بماند. براساس همین سنت گریزی ، جوان دوست دارد به وضع موجود اعتراض کند. حالا اگر این روحیه به آشنایی با عنصر اول انتظار، یعنی اعتراض به وضع موجود، با تکیه بر اعتقاد به جامعه مهدوی ختم شود، انرژی جوان در جهت یک آرمان بلند صرف خواهد شد.



«جوانی و انتظار»

| سمانه صفایی پور |

نبرد نامتقارن جبهه‌ی کفر و استکبار با پرچم برافراشته‌ی اسلام ناب، این وظیفه‌ی همه‌ی ما است. هرکدام باید چشمه‌ی با برکتی از معرفت درست اسلامی و صراط مستقیم الهی باشیم. سرزنده و پرامید و روشن باد دل‌های پاک شما.» ۱۳۹۵/۱۱/۰۱

و اما وظیفه من دانشجویی که به تعبیر شهید بهشتی موذن جامعه است (که اگر خواب بماند نماز امت

سخنم را با این پیام آقا خطاب به دانشجویان شرکت کننده در پنجاه و یکمین نشست اتحادیه انجمن های اسلامی در اروپا ، که در واقع پیامی است به تمام دانشجویان انقلابی جهان، آغاز می‌کنم:

«انتظار از شما عزیزان کاری بیش از خودسازی علمی و دینی و اخلاقی است؛ انتظار آن است که بر محیط پیرامونی خود اثر گذارید و بر رهروان راه خدا با گفتار و عمل خود بیفزائید. در



مهیای نبرد نهایی!

اهل مطالعه بود. مخصوصاً در مورد بیداری اسلامی و مسائل مربوط به آن، هرکجا چیزی پیدا می‌کرد، حتماً می‌خواند مثل کتاب یا مقاله‌های تحلیلی روزنامه‌ها و پایگاه‌های خبری تحلیلی. وقتی تنها گیرش می‌آورد سر صحبت را با او باز می‌کردم. بیشتر دوست داشتم بشنوم تا حرف بزنم، چون محمودرضا خودش با این اتفاقات از نزدیک درگیر بود. یادم هست که می‌گفت بحث‌های تلویزیون درباره سوریه به دور از واقعیت است. می‌گفت واقعیتی که آنجا می‌گذرد، غیر از این حرف‌هاست. هر چند تحلیل‌های مطبوعاتی را می‌خواند و به من هم خواندن مطالب بعضی تحلیل‌گرها مثل سعدالله زارعی را توصیه می‌کرد ولی بیشترین استناد را درباره بیداری اسلامی به سخنرانی‌های آقا می‌کرد و گاهی نظر خودش را هم می‌گفت. یک چیز خاصی که توی حرف‌های محمودرضا بود این بود که هرچه درباره بیداری اسلامی می‌گفت بدون استثنا به ظهور امام زمان (عج) ربط پیدا می‌کرد. یک بار پشت فرمان گفت: به نظر من این دست خداست که ظاهر شده و دارد دیکتاتورهایی را که حکومتشان مانع ظهور امام زمان (عج) است یکی یکی از سر راه بر می‌دارد. ظهور امام زمان (عج) و مبارزه برای حکومت آن حضرت اصلی‌ترین حرفی بود که محمودرضا توی بحث‌هایش می‌زد و مدام هم تکرارش می‌کرد.

برگرفته از کتاب «تو شهید می‌شوی»؛ حیات جاودانه‌ی شهید محمودرضا بیضایی به روایت برادر

سوی خوبی‌ها و جزم در عقاید نورانی اسلام را به دنبال خواهد داشت.

۴. تمنا و آرزو کردن نیز بیش از هر گروه سنی با جوانان تناسب دارد. این جوان است که می‌تواند برای آرزوهای دست نیافتنی‌اش ساعت‌ها گریه کند، شعر بسراید و با خدای خود درباره آنها نجوا کند. تمنای ظهور یک آرزوی بزرگ است که جوانان استعداد داشتن آن را دارند و هر چقدر آنان به سهولت می‌توانند به داشتن این آرزوی بزرگ دست یابند، غیر جوانان به سختی می‌توانند چنین آرزویی را در خود محقق کنند.

۵. عمل برای تحقق وضع مطلوب، یک شرط بزرگ لازم دارد و آن جرات است. چراکه بسیاری از اوقات، تغییر دادن اوضاع عالم، شنا بر خلاف جریان آب است. باید بتوانی از سرزنش‌ها نترسی و از خود گذشته‌گی داشته باشی. جوان این جرات را به سهولت می‌تواند داشته باشد. کسی می‌تواند اهل عمل باشد که از قدرت روحی و حتی از قدرت بدنی کافی هم برخوردار باشد.

«اللهم عجل لولیک الفرج»

برگرفته از کتاب «انتظار عامیانه، انتظار عالمانه، انتظار عارفانه» نوشته‌ی استاد علیرضا پناهیان

دوران جوانی دوران ناپختگی نیست اگر چه دوران کم تجربه‌گی است. جوانان در کمال پختگی گرایش‌های فطری قرار دارند؛ و در اوج تازگی و طراوت روحی و آمادگی برای دریافت‌های معنوی و اتصال به خدا هستند.

۲. قدرت تخیل جوان را نباید دست کم گرفت. جوانان بهتر از هرکس می‌توانند با استفاده از قدر تصویرسازی خود، وضع مطلوب جوانان را از حصار تنگ واقعیت‌های موجود و باور نکردن تحقق وضع مطلوب رهایی بخشد. یکی از مصارف این قدرت تخیل، تصور وضع مطلوب در همین دنیا است. اگر جوان نتواند وضع مطلوب را در همین دنیا تصور کند، نسبت به آن میلی پیدا نخواهد کرد و برای رسیدن به آن اقدامی نخواهد کرد.

۳. روح پاک و ضمیر روشن جوان، اموری را «تصدیق» می‌کند که دیگران نمی‌توانند باور کنند. اگر این پاک‌طینتی مورد سوء استفاده‌ی منحرفین قرار بگیرد نتیجه‌اش معلوم است؛ و اگر این ضمیر پاک در معرض



حسین خنیفر به نقل از خبرگزاری تسنیم:
دانشگاه فرهنگیان آمادگی دارد برای مهر ۹۷ تعداد ۲۵ تا ۳۰ هزار دانشجویمعلم جذب کند، به شرط آن که با فارغ التحصیل شدن دانشجویان سال آخر در ترم تابستان موافقت شود.



بطحائی: مهمترین چالش آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۹۷، موضوع کمی نیروی انسانی است، به نحوی که از یکسو ۳۰ هزار دانش آموز جدید وارد و ۵۰ هزار کارمند بازنشسته می شوند.



کوثر حنیف - دبیر شورای صنفی پردیس امام جعفر صادق (ع): روز دوشنبه مورخ ۸ اردیبهشت ۹۷، چهارمین گردهمایی دبیران شورای صنفی دانشگاه فرهنگیان کل کشور، با حضور مسئولین این دانشگاه من جمله دکتر خنیفر رئیس دانشگاه فرهنگیان، دکتر صفرزاده، دکتر علی نژاد و حجت الاسلام والمسلمین دادگر برگزار گردید.



دادگر: به همت مدیریت دانشگاه فرهنگیان و نهاد مقام معظم رهبری در سازمان مرکزی دانشگاه و معاونت طرح و برنامه و توسعه منابع دانشگاه، نشست کشوری و دوره ای آموزشی - فرهنگی دانشجویمعلمان رتبه های برتر کنکور سراسری پردیس های استانی سراسر کشور، در تاریخ ۲۹ و ۳۰ فروردین ۹۷، در تهران و با حضور برخی از استادان صاحب نظر و برخی از شخصیت ها و اعضای هیأت رئیسه دانشگاه و مسئولین کشوری برگزار گردید.

پروژه اعتراض های دانشجویان هم در دانشگاه فرهنگیان شباهت بسیاری با برخی ویژگی های نمایشنامه ها دارد، چون اعتراض ها به آرامی و به طور ساده تری شروع و ناگهان به نقطه ای اوج و هیجان انگیز و نهایت هم به همان جایگاه اولیه برمی گردد.

چند روز ابتدایی راه، به جای گرفتن غذا، راه قهر و عتاب پیشه گرفتند و اما روز چهارم انقلابی به پا شد که غذاها را گرفته و به نشانه اعتراض در گوشه ای از سلف مبارک، بر زمین نهاده و... و اعتراضی از نوع مخصوص دانشجوی معلمی که بقیه ماجرا هم بماند...

اما غذاهای بیچاره که مظلوم و بی گناه در گوشه ای از سلف افتاده بودند، دل هر رهگذری را به درد می آوردند. هر سیب زمینی داخل قیমে بسیار لذیذ هنگامی که با نگاه های بی تفاوت دانشجویها مواجه می شد، برای خود شاعری شده بود و این بیت وحشی را با خود می خواند:

آن کس که مرا از نظر انداخته این است
این است که پامال غمم ساخته، این است
و بعد از ماجراها، سلف همان شد و خواسته دانشجویها هم...

آری اینجاست که باید این دوبیتی را در وصف چنین دانشجویی خواند:

خود رنجم و خود صلح کنم عادت من این است
یک روز عمل نکنم طاقتم این است
با خاک من آمیخته خونابه حسرت
زین آب سرشتند مرا، طینتم این است



نگین علی بیگی: ماجرا از آنجایی شروع می شود که دانشجومعلم های عزیز، پس از گذراندن تعطیلات خوش نوروزی و بازگشت مجدد به دانشگاه متوجه شدند که سلف از خوابگاه به دانشگاه منتقل شده است و با دلی پر خون و نگاهی نگران به سلف تازه تاسیس، که تا چندی پیش محلی برای برگزاری امتحانات بود، با خود می گفتند:

این سلف چه بود آه که ناگاه گشودند
این فتنه دگرچیست که از خواب گران جست
من بودم و دل بود و اتاقی و غذایی
این سلف دگرچیست که ناگه به میان جست

و از اینجا بود که فکر اعتصاب و اعتراض و انتقال مجدد سلف به خوابگاه به مخیله ی مبارک این دانشجویان خلاق خطور کرد و اصولاً ویژگی بارز





تصویرگر: مریم قاسمی

نویسنده: نگین علی بیگی

نقد قند پهلوا!

در روزگاری هر یک از ما، آرزوی رفتن به دانشگاه و ایجاد تغییری بزرگ در زندگی خود را داشته ایم، خیالی که دور از ذهن نبود؛ زیرا به واقعیت تبدیل شد. وقتی بعد از ماراتن سخت و جان فرسای کنکور، خبر قبولی در دانشگاه فرهنگیان و حس خوب معلم شدن که شبیه به حس پیروزی در ماراتن جهانی بود را شنیدیم؛ خیالات و اوهام پا برهنه به مخيله نفوذ کرد و تا کجاها که نرفت. احساسی خوب و تازه، محیط تحصیلی جدید و شادی شورانگیز دانشجو شدن، مدام لبخند بر لب می نشاند، غافل از اینکه شیرینی هر خبری زود تمام می شود و مراحل جدی فراتر از آرزوی ما، به تمرینات طاقت فرسا برای قهرمانی مجدد می ماند.

بهتر است با فضای فیزیکی شروع کنم؛ روز

بوده است...!

بی معرفتی است اگر از سلف سرویس و آشپزهای ماهر و محترم دانشگاه یادی نکنیم، که استعداد عجیبی در تبدیل انواع مواد غذایی به خوراکی های مطبوع دارند. خدای را شاکریم که در دانشگاهمان فضای سبز و زمین چمن یافت نمی شود که آنها را به «قورمه چمنی» تبدیل کرده و به جای «قورمه سبزی» تحویل دانشجویان دهند.

در آخر ماجرا و در آستانه ی پایان ترم و شروع ترم جدید، «گلستان» است که همچون اسم زیبایش خودنمایی می کند. سامانه همیشه در صحنه گلستان، که در بوستان اعصاب و روان فرهنگیان حسایی گل کاشته است و مهارت ما دانشجومعلمان هم الحمدلله اصلا در ورود به این گلستان زیبا کارساز نیست. بدون شک رنجامه فوق از سر ذوق است و خامه ناقص ما نمی تواند لطف لطیف دانشگاه را جبران کند و به همین منظور مرقومه ای کتابت شد تا هر کس بر این خوان نشست به اندازه

اول با دیدار جمال با کمال ورودی بسیار با ابهت دانشگاه، که ظاهراً در بسیاری از دانشگاه های معتبر دنیا از آن الهام گرفته شده، حساب کار دستان آمد که اینجا با دانشگاه های دیگر بسیار فرق دارد و تحصیل در این محیط یعنی خوش شانسی محض که ظاهراً نصیب از ما بهتران می شود.

سرویس های حمل و نقل که بی شباهت به «بی.آر.تی» های خرامان تهران نیست، البته کمی کوچکتر و آمیخته با خلاقیت «کردی»، که ان شاء الله بعد از دیدار شهردار پاریس از کلانشهر ایلام بدون شک برای موزه اشیاء قیمتی «لوور» خریداری خواهد شد!

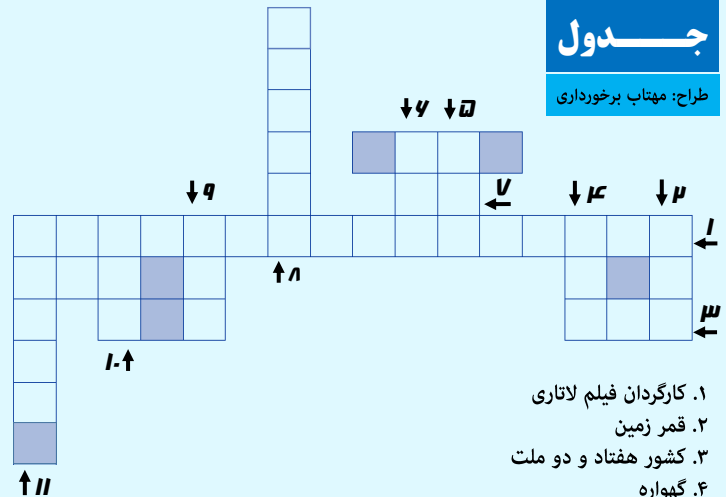
از سرویس های بی نهایت لوکس و زیبای دانشگاه که بگذریم به کتابخانه ای می رسمیم که دست کتابخانه مرجع تهران را از پشت بسته و مملو از کتاب های خطی و دست اول و گران بهایی است که تا به حال دست هیچ دانشجویی به آنها نخورده است. شاید این گونه باید ذوق خویش را نشان دهیم که

ای کاش...

پای حرف دل دانشجو معلم‌ها

جدول

طراح: مهتاب برخوردار



۱. کارگردان فیلم لاتاری
۲. قمر زمین
۳. کشور هفتاد و دو ملت
۴. گهواره
۵. یارم چو ... به دست گیرد / بازار بتان شکست گیرد (حافظ)
۶. از سوره‌های قرآن
۷. کتاب روایت خاطرات سیده زهرا حسینی
۸. هنر اول
۹. ... وقت سحر از غصه نجاتم دادند / و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
۱۰. مهاجم تیم فوتبال بارسلونا
۱۱. از تیم‌های فوتبال سری آ ایتالیا

پاسخ جدول را به نشانی رایانامه گاهنامه صحیفه صادق ارسال فرمایید.

ای کاش
همه این کارهای دستانم
بر آورده باشم عزیزم...

در پشت چرخه نرسیده‌ای
کمی حلقه نوشته بود
من گفتم نمی‌توانم!
تو دیگر نگر نیست...

زای این هیبه
تغافل
ای کاش تو خدای من
الحمد لله

زمنی پر از امید و آسودگی
محبوب صبح مدینه جا همه باطل

ای کاش تو باشی و
مرا کاش نباشی...

ای کاش...
عاشق خسته‌هایم به دانسته‌هایم
تبدیل شود.
😊

ای کاش دانشگاه من بختی بود
):

ای کاش...
زین مرکز دیرم... ای کاش...

ای کاش...
اگر خسته بودم خندم
برای بوم، بحری دوباره
برای مادام، جوانی
برای خنوم، خنده‌ها
...

چه نقش دید دل رفته من
نمی‌دانم
که یک نفس به گلین خانه، این گلین نیست
آهسته

ای کاش تو نقش بردن در کتاب حضرت و سید
ابو احسان دزد و ضحیت به اسلام نفسیان گردد.

ای کاش...
ای کاش من همه بوم با همه دهاها
صداسکرده...! سلف رو بر گردون
خواجگاه 😞

آرزوی یک دانشجو معلم متاهل...
در نامه آوردم
انتقالی
ای کاش...
ای کاش من همه بوم با همه دهاها
صداسکرده...! سلف رو بر گردون
خواجگاه 😞

ای کاش...
همه برای طعم خوش تشنه بودیم...
ای کاش...
ای کاش من همه بوم با همه دهاها
صداسکرده...! سلف رو بر گردون
خواجگاه 😞

ای کاش...
ای کاش من همه بوم با همه دهاها
صداسکرده...! سلف رو بر گردون
خواجگاه 😞

ای کاش...
ای کاش من همه بوم با همه دهاها
صداسکرده...! سلف رو بر گردون
خواجگاه 😞



برگزیدگان مسابقه عکاسی طبیعت بهار

نفر اول : زهرا خاکی

این عکس برام تداعی کننده یک روز بارانی و پرخاطره بهاریه، که هیچ وقت فراموشش نمی‌کنم و با برنده شدنش تو مسابقه واسم به یاد ماندنی شد.



نفر دوم : الهه محمدی والا

وقتی به کوه اطراف روستامون رفتم، از دیدن این شکوفه‌های زیبا به وجد آمدم و گرفتن عکسی از آن توانستم خاطره‌ی دیدن آن شکوفه‌ها و آن طبیعت زیبا را در ذهنم ماندگار کنم.



نفر سوم : نگار عسگری

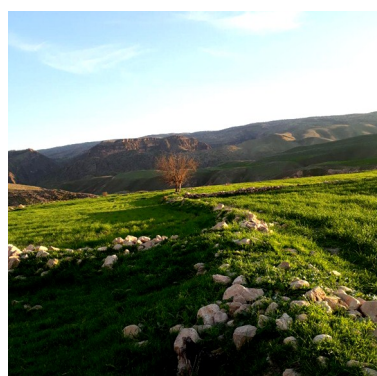
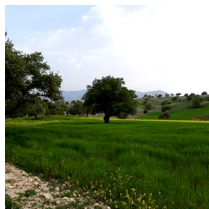
طبیعت زیبای ملکشاهی - بهار ۹۷



نفر چهارم : نگار علی بیگی

طبیعت زیبای منطقه‌ی پتروشیمی ایلام - چوار

۶ فروردین ۹۷



نفر پنجم : فاطمه سبزی دیلمی

دریاچه سد کارون ۳ استان خوزستان



با تشکر از همه‌ی عزیزانی که آثار خود را برای ما ارسال نمودند. هم اکنون می‌توانید تمامی آثار را در کانال سروش گاهنامه "صحیفه صادق" (@sahifehsadegh) مشاهده کنید.

